

در تدارک تأسیس پژوهشکده فلسفه تحلیلی

محمد جواد ا. لاریجانی



لازم است اشاره‌ای -- اگرچه سابقه دار و مکرر -- به یکی از سیاست‌های مهم در این پژوهشگاه بنمایم و آن همانا «عالیم محوری» است یعنی پژوهشگاه را نه ساختمان و نه کادر اداری و نه امکانات آن می‌سازد، بلکه پژوهشگاه یعنی علمای محقق مشغول به کار در آن و بر همین اساس است که هسته‌های پژوهشی و پژوهشکده‌ها شکل گرفته‌اند. به عبارت دیگر: اگر دکتر وحید نبود ما با آرزوی تأسیس پژوهشکده فلسفه تحلیلی صبر می‌کردیم و منتظر می‌ماندیم! دکتر وحید برای جامعه علمی ایران به ویژه در حوزه فلسفه گوهری گرانبها و با ارزش است. او به تنهایی متکفل بخش اصلی مقالات فلسفی ایران در صحنه جهانی است!!

دکتر وحید معلمی بسیار جدی با حوزه درس پرشتی و با برکت است. شاید خود او واضی نباشد که بگویم ایشان با داشتن یک پیشنهاد شغلی بسیار جالب از سوی دانشگاه استرلینگ، به درخواست ما پاسخ مثبت داد و ترجیح داد تا در پژوهشگاه به فعالیت ماندگار و ان شاء الله تاریخ ساز خود ادامه دهد. من با قرائن روشنی، نقش دکتر وحید را در بسط و انتقال فلسفه غرب به ایران همانند نقش فارابی درباره فلسفه یونان می‌دانم. مطمئن هستم آینده این پیش بینی را تأیید خواهد کرد.

حمید وحید دستجردی*

خدای بزرگ را شکر می‌کنم که توفیق داد در مسیر تکامل پژوهشگاه دانش‌های بنیادی سنگ آغازین پژوهشکده فلسفه تحلیلی را بر زمین بنهیم. بدیهی است که لطف او و یاری اوست که باعث توفیق ما خواهد شد -- ان شاء الله.

به عنوان سابقه باید بگویم که در سال‌های اولیه شروع به کار پژوهشگاه -- که در آن زمان تحت عنوان مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات فعالیت می‌کرد و من این نام با مسمی را بسیار دوست می‌دارم و یک در میان استفاده می‌کنم! -- در پژوهشکده ریاضیات گروه منطق را تأسیس کردیم و این گروه سه حوزه را در بر می‌گیرد: منطق ریاضی، علوم کامپیوتر نظری، و منطق فلسفی.

منطق ریاضی حوزه گرم و فعال خود را پیدا کرد و هم اکنون منطق دانان جوان این گروه در دانشگاه‌های مختلف کشور رشته منطق را تدریس می‌کنند و نتایج تحقیقات قابل توجه آنان نیز در مجلات معتبر علمی این رشته به طبع می‌رسد. من به این موفقیت افتخار می‌کنم و آن را در درجه اول به نسل اول منطق دانان ایرانی تبریک می‌گویم و همچنین به پژوهشکده ریاضیات.

علوم کامپیوتر نظری راه خود را مستقلاً طی کرد و بالاخره در اوایل سال ۱۳۸۲ به عنوان پژوهشکده کامپیوتر آغاز به کار نمود. طبیعی است که این اقدام کاملاً متناسب با وسعت و عمق قابل توجهی است که این حوزه از معارف بشری پیدا کرده است.

منطق فلسفی. برای این حوزه از علم به همراه فلسفه ذهن و معرفت‌شناسی، مدتی در زیر چتر پژوهشکده علوم شناختی این پژوهشگاه استقرار موقت تعریف کردیم و بالاخره در اواخر سال ۱۳۸۰ در شورای علمی پژوهشگاه به این نتیجه رسیدیم که هسته پژوهشی فلسفه تحلیلی را جدا از پژوهشکده‌های موجود زیر نظر ریاست ادامه دهیم و بالاخره در سال جاری پس از ارزیابی نتایج کار و زمینه‌ها و مشاوره با وزارت علوم روند تأسیس پژوهشکده‌ای مخصوص فلسفه تحلیلی با تأکید برسه محور فلسفه ذهن، معرفت‌شناسی و منطق فلسفی آغاز شد.



کلیات

فلسفه قدیمی‌ترین شاخه معرفت بشری و به تعبیری خواستگاه و سرچشمه سایر علوم از قبیل فیزیک، ریاضیات و مانند آنهاست. حتی امروز نیز برخی از دانشگاه‌های معتبر دنیا (مانند بعضی از دانشگاه‌های اسکاتلند) هنوز در دفاتر راهنمای

خود فیزیک را با عنوان «فلسفه طبیعی» معرفی می‌کنند. اینکه چرا ریاضیات و علوم تجربی سرانجام راه خود را از فلسفه جدا کردند مسأله پیچیده‌ای است که مجال بررسی آن در این فرصت نیست. این نکته اما کاملاً آشکار است که با مشخص‌تر شدن موضوعات مورد تحقیق و همچنین روش بررسی آنها، که خود به خود به تخصصی شدن آنها انجامید، گریزی از این انشعاب نبود. لکن این امر مانع از آن نبوده و نیست که فلسفه و دیگر علوم تعاملی سازنده با یکدیگر داشته باشند. صورت افراطی این نظریه قابل قبول و موجه را می‌توان در آراء برخی از فیلسوفان معاصر سراغ گرفت که فلسفه را در واقع ادامه علوم تجربی (البته به شکل عام‌تری) می‌دانند. از طرف دیگر سایر علوم نیز هرگاه در طی دوران تطور خود دچار بحران شده‌اند (که این امری مستمر بوده است) خود به خود به فلسفه روی

در این نیز جای تردید نیست که امروزه فهم ما از صورت مسائل فلسفی به مراتب دقیقتر و عمیقتر از گذشته است. به عنوان مثال ما اکنون زوایای گوناگون مسأله «ذهن» و ارتباط آن با بدن را دقیقتر از گذشته درک می‌کنیم اگرچه شاید فاصله ما تا کشف طبیعت واقعی آن به همان اندازه‌ای باشد که در دوران گذشته بود. به تعبیر دیگر، اگرچه همچنان از درک واقعیت ذهن -- و موارد مشابه -- ناتوان هستیم و نمی‌دانیم که ذهن واقعاً چگونه موجودی است اما لااقل می‌دانیم چه چیزهایی نیست. در پایان، نکته دیگری که می‌باید بدان اشاره کرد -- و در واقع به نامگذاری پژوهشکده جدید به عنوان «پژوهشکده فلسفه تحلیلی» مربوط می‌شود -- مسأله روش تفکر فلسفی است که روشی کاملاً استدلالی است و از این جهت متمایز از علوم دیگر از قبیل ریاضیات نیست. امروز فلسفه تحلیلی (همچون گذشته) تفکر فلسفی غالب در دنیاست. اگرچه در سال‌های اخیر، فلسفه‌های غیراستدلالی (باصطلاح «قاره‌ای» یا «پست مدرن») پا به عرصه وجود گذاشته‌اند، اما این قبیل گرایش‌ها همچنان در حاشیه تفکر فلسفی رایج در دنیا قرار دارند.

پژوهشکده فلسفه تحلیلی: اهداف و برنامه‌ها

علی‌رغم وجود ارتباطی ارگانیک میان علوم پایه و علوم انسانی، در حال حاضر در ایران شکاف عمیقی بین وضعیت کیفی این دو شاخه از علوم وجود دارد که تا به حال نه تنها چاره‌ای مؤثر برای رفع آن به دست نیامده بلکه این شکاف با گذشت زمان عمیق‌تر گشته است. مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی موجود در زمینه‌های علوم انسانی از لحاظ تحقیقات مطلقاً در رکودی سنگین به سر می‌برند. آثاری که تحت عنوان «پژوهش» در این زمینه‌ها در نشریات معتبر بین‌المللی به چاپ رسیده باشند در مقایسه با تحقیقات منتشر شده در زمینه علوم پایه (مخصوصاً فیزیک و ریاضیات) بسیار ناچیز می‌نمایند. این وضعیت در زمینه پژوهش‌های فلسفی از این نیز اسف‌بارتر است. مجلات معتبر فلسفی فاقد مقالات از جانب محققین ایرانی (چه در داخل و چه در خارج) هستند. آن دسته از «تحقیقاتی» نیز که در نشریات داخلی به چاپ می‌رسند، از لحاظ کیفیت در چنان سطح نازلی هستند که عملاً نه در زمینه‌های آموزشی مورد استفاده قرار می‌گیرند و نه کمکی به امر ارتقاء پژوهش در کشور می‌نمایند. این وضعیت به هیچ وجه شایسته منزلت علوم فلسفی که روزگاری مایه مباهات ایرانیان در سطح بین‌المللی بوده است، نیست، به خصوص که موقعیت علوم انسانی (و بالخصوص فلسفه) در ایران در مقایسه با کشورهای مشابه و همجوار، مانند ترکیه و برخی کشورهای خاورمیانه، در مرتبه نازل‌تری قرار دارد.

در حال حاضر معدودی از محققین که با داشتن تخصص مطلوب در زمینه‌های ذکر شده فعلاً در ایران مشغول به‌کارند، در مراکز آموزش عالی مختلف پراکنده‌اند و لذا کوشش‌های آنان برای انجام تحقیق و تأثیرگذاری بر کیفیت تحقیقات عقیم و بی‌اثر مانده است. تشکیل پژوهشکده فلسفه تحلیلی به عنوان مرکزی برای آموزش و تحقیقات فلسفی نه تنها مانع از به‌در رفتن توانایی‌های بالقوه این افراد می‌شود بلکه همچنین می‌تواند موجبات جذب آن دسته از ایرانیان را که در حال حاضر در زمینه‌های یاد شده در

آورده‌اند. به عنوان مثال می‌توان به بحران‌های اساسی تاریخ تفکر ریاضی از جمله بحران مربوط به مبانی متزلزلی که حساب دیفرانسیل و انتگرال از دل آنها برآمده و متکی به مفهوم اعداد بینهایت کوچک بود اشاره کرد. در چنین شرایطی همه ریاضیدانان لزوم روشنی و وضوح بیشتر را احساس می‌کردند و بدین ترتیب قرن ۱۹ شاهد تزریق دقت و وضوح بیشتر به بدنه آنالیز، به عنوان واکنشی در برابر آراء کانت و در جهت اجتناب از تمسک به مفهوم شهود در آنالیز، بود. «حسابی شدن» آنالیز منجر به تحلیل ددکیند از اعداد حقیقی بر حسب «برش‌های ددکیند» گشت. این تحولات همگی به مدد مفهوم «مجموعه» صورت گرفت که نظریه آن توسط کانتور در حال پی‌ریزی بود. اما به زودی معلوم شد که نظریه «طبیعی» کانتور حاوی تناقض و پارادکس است. کوشش‌های امثال فرگه برای پرهیز از این تناقضات به ظهور علم منطق ریاضی منجر گشت. در واقع تولد منطق ریاضی مدیون کوشش‌های مستمر جهت یافتن مبانی مطمئنی برای ریاضیات و خروج از بحران‌های یاد شده بود. در میان علوم تجربی نیز امروزه مکانیک کوانتومی شدیداً دچار بحران است زیرا به نظر نمی‌آید تصویر قابل فهمی از آن وجود داشته باشد و به همین دلیل فلسفه نیز خود را درگیر آن کرده است. هفته یا ماهی نیست که مقاله یا کتابی تحت عنوان «فلسفه مکانیک کوانتومی» یا «مبانی مکانیک کوانتومی» چاپ و ارائه نشود.

به هر تقدیر، جدا از نسبتش با سایر علوم، فلسفه خود، به دلیل تخصصی شدن، به شعب و شاخه‌های گوناگون تقسیم شده است اگرچه حوزه‌های اساسی آن را همچنان «متافیزیک»، «معرفت شناسی»، «فلسفه ذهن» و «فلسفه زبان یا منطق فلسفی» تشکیل می‌دهند. البته هر یک از این حوزه‌ها به دلیل تعامل یاد شده با سایر علوم، دستخوش تحولات اساسی گشته‌اند. یکی از نمونه‌های جالب این تعامل، ظهور «علوم شناختی» در چند دهه قبل است. تا آن زمان فلسفه ذهن و معرفت شناسی عهده‌دار بررسی ظرفیت‌های شناختی انسان از ادراک و عمل گرفته تا استدلال و فهم زبان بود. اما اکنون مشخص شده است که نتایج تحقیقات مربوط به علوم زبانشناسی، علوم کامپیوتری و روانشناسی تأثیری بسیار اساسی بر سرنوشت مباحث مربوط به شناخت بشری دارند. این امر به صورت طبیعی سبب نزدیکی و مشارکت بخش‌هایی از علوم (که به نحوی با هوش مصنوعی و بشری سروکار دارند) با یکدیگر گشت. بدین ترتیب از چند دهه پیش، علوم -- همچنان در حال تکوین -- شناختی پا به صحنه تحقیقات گذاشت که مستقیماً محصول تعامل دستاوردهای فیزیولوژی اعصاب، روانشناسی، زبانشناسی، هوش مصنوعی، فلسفه و امثال آنهاست.

به دلیل قدمت فلسفه و تفکر فلسفی، ارائه آراء جدید و به خصوص پیشنهاد راه حل‌های قطعی در آن از سایر علوم دشوارتر است. این واقعیت البته ریشه در این نکته نیز دارد که موضوعات فلسفی و بالطبع مفاهیمی که در تفکر فلسفی بکارگرفته می‌شوند -- برخلاف مثلاً ریاضیات که مفاهیمش به دقت تعریف می‌شوند -- عموماً به نحو پیچیده‌ای چند وجهی هستند. بدین ترتیب اگرچه نمی‌توان رشد خطی سایر علوم را در فلسفه سراغ کرد اما

تحقیقاتی‌اند و به دلیل رکود فعالیت‌های علمی در ایران رغبتی به بازگشت ندارند،

(و) تأسیس یک نشریه بین‌المللی فلسفه.

همچنان‌که ملاحظه می‌شود، حصول اهداف فوق تا حد زیادی متکی به همکاری محققین مبرز خارجی و دانشگاه‌های معتبر خارج با پژوهشگاه است. پژوهشگاه فلسفه تحلیلی امیدوار است برای تضمین موفقیت برنامه‌های خود از همکاری مستمر محققین خارجی در زمینه‌های مربوطه سود جوید. با قراردادهای مناسب و تمهیدات منظم می‌توان در طول هر دوره آموزشی، برنامه‌ی تعلیمی را با کمک بهترین محققان داخلی و خارجی برگزار نمود. در این زمینه پژوهشگاه متکی به حمایت و پشتیبانی پژوهشگاه خواهد بود.

در پایان لازم می‌دانم از حمایت‌های بی‌دریغ و بی‌شائبه جناب آقای دکتر لاریجانی که امکان تأسیس این پژوهشگاه را فراهم آوردند تشکر کنم. تنها به‌واسطه آشنایی و توجه ایشان به اهمیت فلسفه تحلیلی در صحنه تفکر علمی ایران بود که شروع کار در زمینه فلسفه تحلیلی در مرکزی که اختصاص به تحقیقات در علوم پایه داشت امکان‌پذیر گشت. همچنین بجاست در این مقام از تلاش‌های مستمر مرحوم دکتر یوسف علی‌آبادی یاد کنم که همواره آرزوی تأسیس نهادی را برای اعتلای این شاخه از معرفت در ایران در سر و قلب خویش می‌پروراند.

* حمید وحید دستجردی، دانشیار پژوهشگاه دانش‌های بنیادی

vahid@ipm.ir

خارج از کشور مراحل پایانی تحصیلات عالی خود را می‌گذرانند (و احياناً به دلیل فقدان مؤسسه‌ای مطلوب در کشور رغبتی برای مراجعت به وطن خود نمی‌بینند) فراهم آورد.

خوشبختانه تشکیل پژوهشگاه فلسفه تحلیلی و راه‌اندازی دوره‌های دکتری فلسفه در پژوهشگاه دانش‌های بنیادی از زمینه‌های مناسب برخوردار است. علی‌رغم تأکید عمده پژوهشگاه بر تحقیقات در زمینه‌های ریاضی و فیزیک، در سال‌های اخیر دوره‌های مستمر و متعددی در زمینه‌های منطق فلسفی، فلسفه ریاضی، معرفت‌شناسی و فلسفه ذهن برگزار شده که همواره از استقبال دانشجویان برخوردار بوده است. همچنین کنفرانس‌ها و سمینارهای متعددی در این زمینه‌ها تقریباً هر سال در پژوهشگاه تشکیل شده است. از طرف دیگر، تشکیل هسته‌های آموزشی و پژوهشی فیزیک بنیادی، منطق و علوم اعصاب شناختی راه را برای همکاری در زمینه‌های یاد شده فراهم خواهد کرد. پژوهشگاه فلسفه تحلیلی به‌طور کلی اهداف ذیل را در صدر برنامه‌های خود دارد:

(آ) مشارکت در فعالیت‌های تحقیقاتی بین‌المللی در حوزه‌های مربوط به فلسفه تحلیلی،

(ب) پرورش استعداد‌های ایرانی برای فعالیت‌های پژوهشی با کیفیت و استانداردهای بین‌المللی،

(ج) آموزش دانشجویان در دوره‌های تحصیلات تکمیلی با هدف صدور دانشنامه‌های معتبر بین‌المللی،

(د) ایجاد ارتباط ارگانیک با نهادهای پژوهشی معتبر بین‌المللی،

(ه) جذب نیروهای فعال و مستعد که در خارج از کشور مشغول فعالیت

شرح روی جلد

روستر پژوهشگاه علوم نانو از چند تصویر تشکیل شده که نشان‌دهنده ساختارها و روندهای بسیار مهم در علوم و فناوری نانو هستند. شرح تصاویر از این قرار است.

۱. سمت راست از بالا به پایین

- چهار نوع نانو ساختار کربنی یعنی گرافیت، الماس، فولرین C_{60} و نانولوله،
- ساخت یک چرخ‌دنده افقی مقیاس نانو، ساخته شده از نانولوله‌های کربنی از طریق شبیه‌سازی وابسته به رایانه،
- ساخت یک چرخ‌دنده موازی مقیاس نانو، ساخته شده از نانولوله‌های کربنی از طریق شبیه‌سازی وابسته به رایانه،
- نانولیتوگرافی: درج لغت «اتم» به زبان چینی از طریق برنشانی اتم‌های آهن (قرمز) بر زیر پایه مس (آبی) در آزمایشگاه.

۲. سمت چپ از بالا به پایین

- سه تصویر اول: شبیه‌سازی روند برنشانی مولکول C_{60} برصفحه سیلیس (Si)،
- تصویر آخر: ساخت اتم مصنوعی (یا تله کوانتومی) که از برنشانی اتم‌های آهن (زرد) بر زیر پایه مس (آبی) با استفاده از میکروسکوپ روبشی تونلی (STM) در آزمایشگاه ساخته شده است.

۳. وسط

تصویر مولکول C_{60} . این مولکول از ۶۰ اتم کربن تشکیل شده و ساختار آن همانند توپ فوتبال است و دارای ۲۰ شش ضلعی و ۱۲ پنج ضلعی، و قطر آن یک نانومتر است.

۴. سه تصویر زیر مولکول وسط: شبیه‌سازی اشاعه ترک در مقیاس نانو. رنگ قرمز در این سه عکس نمودار تنش بالا در مقیاس اتمی است.